

ابعاد تربیت فرزند

در احادیث معصومان* علیهم‌السلام

- محمد امامی^۱
- سید ابوالقاسم حسینی زیدی^۲
- محمد شمس‌الدین دیانی^۳

چکیده

فرزند در اسلام به عنوان نور چشم، صدقه جاریه برای قیامت و ثمره جامعه اسلامی، اهمیت و جایگاه والایی دارد. در احادیث رضوی، تربیت صحیح همراه با روش مناسب، حق فرزندان دانسته شده است. هدف اصلی پژوهش پیش‌رو، پاسخ به این سؤال است که سبک تربیت در احادیث معصومان چیست و چه راه کاری برای تربیت بهتر ارائه شده است؟ این پژوهش با مراجعه مستقیم به اسناد اصیل و با قدمت حدیثی، به کنکاش موضوع پرداخته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تربیت فرزند، ابعاد و ساحات مختلفی دارد و هر بُعد، ناظر به یکی از نیازهای فرزند در ساحات‌های مختلف انسانی وی، یا مراحل و برهه‌های مختلف زندگی اوست. این مقاله، قدم نخست را در بایسته‌های تربیت فرزند، آغاز نمودن از خود دانسته و با توجه به تأکید

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۰/۳۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۷/۲۰.

۱. دانشیار، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (Dr.Imami@Razavi.ac.ir).

۲. استادیار، دانشگاه علوم اسلامی رضوی (Abolghasem.6558@yahoo.com).

۳. عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، (نویسنده مسئول).

معصومان علیهم‌السلام بر تربیت عملی توجه شده است؛ در مرحله بعدی در تربیت، به لزوم توجه به ابعاد و ساحات انسانی فرزندان پرداخته و تأکید شده است که باید تمامی ابعاد روحی، جسمی و روانی فرزند مورد توجه قرار گیرد. بر اساس آموزه‌های روایی، پرداختن به موضوع تربیت با در نظر گرفتن بهداشت روانی طرفین، امکان‌پذیر است. تدریجی بودن تربیت، توجه به ظرفیت مخاطب، تکریم و ملاحظت، پرهیز از عصبانیت، ارائه الگوی مناسب، ترک تعارضات کلامی و نصیحت زیاد، رعایت احترام و پرهیز از تحقیر، لطافت لحن و رعایت وقار و... از جمله شاخصه‌های تربیت هستند.

واژگان کلیدی: تربیت، روایات معصومان علیهم‌السلام، ساحت، بعد روانی.

مقدمه

در آموزه‌های رضوی، تربیت فرزندان به عنوان نور چشم انسان^۱ و اعمال صالح باقیمانده برای قیامت زندگی، مسؤلیتی بزرگ و بر عهده والدین است. فردی نزد پیامبر آمد و سؤال کرد: حق فرزندم بر من چیست؟ حضرت علیه‌السلام فرمود: نام نیکو، ادب نیکو و حفظ حرمت اجتماعی. خداوند در قرآن کریم^۲، تربیت آنان را بر والدین واجب دانسته و هدایت آنان را از والدین خواسته، آنجا که فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ﴾؛ ای مؤمنین، خود و اهل خود را از آتش سختی که سوخت آن انسان‌ها و سنگ است نجات دهید (تحریم/۶).

تربیت فرزند ابعاد مختلفی دارد و هر بعد، ناظر به یکی از نیازهای فرزند در ساحات‌های مختلف انسانی وی، یا مراحل و برهه‌های مختلف زندگی اوست. از تربیت جسمانی - بهداشتی برای حفظ سلامت فرزند گرفته، تا تربیت اقتصادی برای زندگی

۱. «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ و کسانی اند که می‌گویند پروردگارا به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان (فرقان/۷۴).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید خودتان و کسانی را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگهاست حفظ کنید بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سخت‌گیر [گمارده شده‌اند از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی‌کنند و آنچه را که مأمورند انجام می‌دهند (تحریم/۶).

مادی و معنوی و همچنین تربیت ارزش‌های اخلاقی و نیز باورهای دینی و اعتقادی و آمادگی برای جهان پس از مرگ، در تمام این موارد یادگیری و آموزش، یکی از مهم‌ترین لوازم زندگی فرزندان در تعامل با خانواده محسوب می‌شود (ر.ک: قاسمی، ۱۳۹۳، ۱۵۷؛ الهامی‌نیا، ۱۳۷۶، ۹۱).

انسان گرچه در طول عمر و در شرایط متفاوت نیاز به تربیت دارد، اما ظرفیت‌های او در زمان‌های مختلف متفاوت است و نخستین سال‌های زندگی کودک، بهترین زمانی است که بیش از هر زمان دیگر، برای رشد، یادگیری و آموزش آمادگی وجود دارد. امام رضا علیه السلام به یکی از اصحابش می‌فرماید: «يَا يُونُسُ حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَاتَّزَكَّهُمْ مِمَّا لَا يَعْرِفُونَ»؛ ای یونس! با مردم به اندازه معرفت و شناخت آن‌ها سخن بگو و آنچه را که نمی‌توانند بفهمند، رها کن. (عطاردی، ۱۴۰۶، ۴۵۶/۲) کنایه از این که در تعامل با دیگران و از جمله در مورد تعلیم و تربیت افراد، باید ظرفیت‌های آن‌ها مد نظر قرار گیرد.

این جستار، در راستای حفظ و حراست از این سرمایه مهم دنیوی و اخروی، به دنبال بازکاوی شیوه تربیت صحیح فرزندان در اسلام و روایات امامان معصوم علیهم السلام است. در این مقاله در بسیاری از موارد به جای کلمه پدر و مادر، معلمان و دیگر عوامل مؤثر در امر تربیت، از واژه مربیان و به جای واژه فرزند، دانش‌آموز، دانشجو یا گیرنده پیام، از واژه متریبی استفاده شده است.

طرح موضوع

این مقاله در نظر دارد با مطالعه روایات اسلامی، تربیت جامع کودک را در ابعاد و ساحات مختلف آن مورد کنکاش قرار دهد. هم‌چنین شاخصه‌های یک تربیت جامع اسلامی و راه‌های تحقق چنین امری بر اساس آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام، مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

مفهوم‌شناسی تربیت

کلمه تربیت از ریشه «ربو» گرفته شده است؛ در زبان عربی تپه را «رَبْوَه» می‌نامند

به دلیل آن که در مقایسه با سطح زمین برآمده‌تر می‌باشد (ابن فارس، بی‌تا، ۴۸۳/۲). برخی از لغت‌دانان قائل هستند که ریشه این لغت به معنای زیادت می‌باشد و زمانی که گفته می‌شود: «زَبَا الْأَرْضُ وَالْمَالُ وَكُلُّ شَيْءٍ يَزْبُو زَبْوًا» هنگامی است که بدان افزوده شود (فراهیدی، بی‌تا، ۲۸۴/۸) و در نظر برخی تربیت به معنای تغذیه، عهده‌دار شدن مراقبت کودک و سرپرستی او است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ۱۱۹/۱۵).

اما از نظر اصطلاحی می‌توان این‌گونه گفت که: «تربیت، به فعلیت رساندن استعدادهاى ذاتی است که خدا در انسان به ودیعت نهاده و با استفاده از عقل و نقل می‌توان آن‌ها را از بالقوه به بالفعل تبدیل و نمایان کرد» (رک: مطهری، ۱۳۸۳، ۵۵۱/۲۲؛ به عبارت دیگر «تربیت عبارت است از فراهم کردن زمینه‌ها و عوامل برای به فعلیت رساندن و شکوفا نمودن استعدادهاى درونی انسان در جهت مطلوب و استفاده از روش‌های صحیح و مناسب» (نک. شکوهی یکتا، ۱۳۸۶، ۵). براساس این تعریف، تربیت به معنای یکسان‌سازی رفتارهای کودکان و انسان‌ها نیست، بلکه ایجاد آمادگی برای درک آگاهانه ارزش‌ها، شکوفایی استعدادهاى درونی فطری و حرکت اختیاری بر مبنای آن است. از نظر اسلام، فرزند از دوران کودکی دارای قدرت انتخاب و مختار است.

بایسته‌های تربیت فرزند

تربیت فرزندان امر پیچیده‌ای است که ظرافت‌ها و لطافت‌های خاص خودش را دارد و اگر به شکل صحیح یا در زمان درست انجام نگیرد، دارای آثار منفی بر فرزند است و گاهی ممکن است که اثر منفی آن بر تربیت کودک بیشتر باشد. بر همین اساس، دقت لازم در تربیت، موجب سلامت و بهداشت روانی کودک می‌گردد. در امر تربیت دو طرف وجود دارد: مربی که والدین یا مربیان هستند و متربی که فرزند است؛ متربی نیز دو بُعد و ساحت مهم دارد: بُعد روحی و بُعد و ساحت جسمی. حلقه رابطه بین این دو ساحت را «روان» می‌نامیم. بر همین اساس، بحث ما در امر تربیت به چهار بخش تقسیم می‌شود و بخش آخر را به روش اجرای امر تربیت، با در نظر گرفتن بهداشت روانی متربی، در سیره و سخن معصومان علیهم‌السلام اختصاص داده‌ایم.

الف. جایگاه مربیان در تربیت

در امر تربیت، نخستین و اصلی‌ترین نقش را مربی، که در این جستار پدر و مادر هستند عهده دارند؛ از این روی، ظرفیت‌های جسمی و دانشی والدین باید در نظر گرفته شود. بنابراین، قدم نخست در امر تربیت، دقت و آغاز نمودن از خود مربی است، یعنی فرد در ابتدا باید به کنکاش خویش پردازد و آن‌گاه به دنبال تربیت باشد. چگونه کسی که خودش به هر شکل یا دلیلی، صلاحیت یا دانش لازم را ندارد، می‌تواند فرزند خود را تربیت نماید؟!

۱. گزینش همسر مناسب

این مرحله تربیت، ویژه والدین است و تنها والدین به عنوان واسطه فیض وجود فرزند دارای این نقش هستند. تربیت را باید قبل از تولد فرزند و به عبارت بهتر قبل از ازدواج شروع کرد. کسی که در نظر دارد فرزند سالمی از نظر جسمی و روانی داشته باشد، باید قبل از ازدواج در این زمینه بررسی و اندیشه نماید. فرزند از رگ و ریشه والدین است و عرق والدین در او وجود دارد. اگرچه معتقد نیستیم که ژن و عرق تنها عامل مؤثر است و «تربیت ناهل را، چون گردکان بر گنبد است (سعدی، حکایت ۴)» اما نمی‌توان تأثیر عرق و ژن را نادیده گرفت. شاهد این گفتار این که، امام علی علیه السلام برای داشتن فرزند شجاع به دنبال خانواده و قبیله شجاع می‌گردد و از عقیل برادرش در این زمینه استمداد می‌نماید (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ۳۵۷).

امام صادق علیه السلام از قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «اِخْتَارُوا لِتُطْفِكُمْ، فَإِنَّ الْخَالَ أَحَدُ الصَّحَابَةِ»؛ برای نطفه‌های خود جایگاه مناسبی اختیار کنید که دایی در خصوصیات فرزند مؤثر است (کلینی، ۱۳۸۸، ۳۳۲/۵). کنایه از این که رگ و ریشه همسر، می‌تواند ملاک خلق و خوی فرزند گردد.

بنابراین، برای زن یا مردی که می‌خواهد فرزندان خوب و سالمی داشته باشد، توجه به سلامت روان و خلیقات خانواده همسر، بسیار مهم است. دانش ژنتیک بر این واقعیت تأکید می‌ورزد که بخشی از ویژگی‌های وراثتی از طریق پدر و بخشی دیگر، از طریق مادر به فرزند منتقل می‌شود (نک. شرفی، ۱۳۸۶، ۸۷). مکتب اسلام نیز به انسان

توصیه می‌کند که در جستجوی همسر شایسته و مناسب باشد.^۱

۲. خویش‌پروری

از آن‌جا که رفتار انسان در هم‌نوع تأثیرگذار است و فرزند در بسیاری از موارد، حالات و رفتارهای پدر و مادر را تقلید می‌کند، طبق نظر اسلام باید تربیت را از خود آغاز نمود. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنِّي وَاللَّهِ مَا أَحْكُمُ عَلَى طَاعَةٍ إِلَّا وَأَسْبَقَكُمْ إِلَيْهَا وَلَا أَنْتَهُكُمْ عَنْ مَعْصِيَةِ إِلَّا وَأَتَّاهِي قَبْلَكُمْ عَنْهَا»؛ ای مردم! سوگند به خدا! من شما را به اطاعتی تشویق نکردم مگر آن‌که خود به آن پیشی گرفتیم و از معصیتی نهی نکردم، مگر آن‌که پیش از شما، از آن پرهیز کردم (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵). ایشان همچنین در مورد شروع آموزش از خود می‌فرماید: «فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ»؛ پیش از تعلیم دیگران، باید به ادب کردن خویش پردازد (نهج‌البلاغه، حکمت ۷۳). در مورد فرزند که الگوی خود را از داخل منزل می‌گیرد، طبیعتاً آغاز تربیت از خود، بسیار مهم‌تر است. فرزند بسیاری از رفتارها از قبیل مشاجرات کلامی، حرص، خودنمایی، مال‌اندوزی و یا آرامش خیال، راحتی روان، اهتمام به دین و ترک محرمات را از والدین می‌آموزد. بنابراین والدین و مربیان قبل از تلاش برای راهنمایی فرزند به سوی ارزش‌ها، باید در خویشتن، آن ارزش‌ها را ایجاد نمایند.

اگر مایلیم فرزندانمانی مهربان داشته باشیم خود نیز از آغاز باید مهربان باشیم و با عطف و احترام با آنان سخن بگوییم. رفتار حضرت رضا علیه السلام با فرزندش امام جواد علیه السلام

۱. دیدگاه امام خمینی به این مسأله از توجه خاص ایشان حکایت می‌کند، آن‌جا که می‌فرماید: اسلام به همه چیز کار دارد، اسلام قبل از اینکه ازدواج بکند، نقشه آن بچه‌ای که شما می‌خواهید بعد از ازدواج آن بچه را تولید کنید، نقشه را قبل از ازدواج شما ریخته است، چه جور زنی انتخاب کن، چه جور مردی انتخاب کن، مرد چه جور باید باشد، زن چه جور باید باشد، برای این است که این انسان مثل یک نباتی می‌ماند که باید رشد بکند، مثل یک نفر کشاورز که وقتی تخم‌کاری می‌کند باید زمین را ببیند چه جور زمینی است، کود را ببیند چه جور کودی است، آب چه وقت لازم دارد، کذا انسان هم یک همچو موجودی است از قبل از این که کشت شود، زمینش را ملاحظه می‌کند که این زمین چه جور زمینی باید باشد (اشاره به آیه شریفه «نساء کم حرث لکم») یعنی: زنان شما، کشتزار شما نیستند (می‌باشد) آن کسی که می‌خواهد کشت بکند چه جور باشد، بعد از اینکه ازدواج واقع شد، زمان تلقیح چه جور باید باشد، همه ابعاد را می‌خواهد درست کند، اسلام می‌خواهد انسان درست کند، می‌خواهد آدم درست کند. (نک. آیین انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹، ۲۲۰)

آن قدر محبت آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی زدند، بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرار می دادند.

۳. تربیت عملی

سیره انبیاء، سیره تربیت عملی انسان است. آنان با عمل خود انسان را تربیت کردند و با ارائه نمونه‌ای تمام عیار و عامل به علم، دل‌ها را از محبت خویش پر کردند (عاملی، ۱۴۰۹، ۱۳/۲). تا انسان‌ها با پیروی از سیره عملی آنان در مسیر کمال قرار گیرند و از تنگنای زمین به بلندای آسمان رسند. امام صادق علیه السلام تربیت را به عمل می‌داند و می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم را به غیر زیباتان، به رفتار نیک فرا خوانید و ارشاد نمایید (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۸/۲).

با توجه به سبک و سیاق اولیای الهی، اگر باید مردم را عملاً تربیت نمود، فرزند که ناظر طولانی مدت رفتار ما است، به طریق اولی این چنین است. احترام به والدین و بزرگ‌ترها را عملاً باید آموخت. در جایی دیگر می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِالْخَيْرِ، بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْإِجْتِهَادَ وَالصَّدَقَ وَالْوَرَعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ، فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»؛ دیگران را (به امور خیر) بخوانید بدون زبان خود، تا از شما تقوی، اجتهاد و تلاش، نماز و اعمال نیک ببینند، این خود (مردم را به راه شما) دعوت کننده است (کلینی، ۱۳۶۵، ۷۸/۲).

ب. توجه به ساحات انسانی فرزند

خدای متعال انسان را از خاک خلق نمود و مانند دیگر جانداران خاکی، حبّ خویشتن و بقاء و غریزه‌های دیگر را در وی به ودیعت نهاد تا در زمین خاکی، توان ماندگاری و تکثیر نسل داشته باشد. از جانب دیگر، روحی خدامند در وی نهاد^۱ تا بتواند از این زمین خاکی پرکشد، از افلاک هم بگذرد و خدایی شود.

لذا توجه به تمامی ابعاد بشر به صورت کلی و ویژگی‌های متفاوت فرد هدف به صورت خصوصی بسیار مهم است. بر این اساس در این مقاله، یک بار انسان با

۱. «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»؛ پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید (حجر: ۲۹).

ویژگی‌های روحانی و فرا جسمانی‌اش مورد بررسی قرار می‌گیرد و یک بار در تربیت، به شخصیت جاننداری و جسمی وی توجه می‌شود و در این مسیر، علاوه بر آموزه‌های وحیانی، به داده‌های اندیشمندان تجربی نیز اشاره خواهد شد و در ادامه با این نگاه که روان، حدّ واسط بین روح و جسم است، شیوه تربیت صحیح با در نظر گرفتن سلامت و بهداشت روان مرتبّی مورد بحث قرار می‌گیرد و در این مسیر نیز، بیشتر از سرچشمهٔ دانش وحیانی معصومین علیهم‌السلام استفاده خواهد شد.

۱. بُعد روحانی

اندیشمندان تجربی در شناخت بُعد فرا جسمانی انسان، کم‌توان و بلکه ناتوانند؛ نگاه مادی و ابزار تجربه از شناسایی ساحات غیر مادی انسان عاجز است. روح خدامند الهی، با ابزار مادی قابل درک و شناخت نیست. تنها راه برای شناخت آن از طریق وحی یا آثار بیرونی روح می‌باشد. عقل، شهود و فطرت از اموری هستند که از روح سرچشمه گرفته‌اند. همان خدایی که از «نَفْخَةُ رُوحٍ» سخن گفته است، از الهام اخلاق به تمامی انسانها نیز سخن فرموده است؛ ﴿فَالْهَمَّهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾؛ سپس پدیدکاری و پرهیزگاری‌اش را به آن الهام کرد (شمس، ۸). بر این اساس، اخلاق امری فرادینی است که در تمام انسان‌ها وجود دارد. نقش دین در این زمینه، تبیین و تکمیل^۱ و روشن کردن ضمانت اجرای آن است. هم‌چنین از فطرت انسان‌ها در قرآن کریم یاد شده است: ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾؛ سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است (روم، ۳۰)، چیزی که در درون و نهاد انسان‌ها وجود دارد و قابل انکار و حذف نیست و براساس آن الهام‌های معنوی و خدایی، خداجویی‌ها، معنویت‌جویی‌ها، نیک‌جویی‌ها و خیرجویی‌ها همیشه در بشر وجود داشته و دارد و قابل مبارزه و جایگزینی نیست (مطهری، ۱۳۶۶، ۲۰۵/۱).

توجه به این بُعد انسانی و تقویت آن از وظایف والدین و همهٔ مربیان اعم از معلّمین، رسانه‌ها و مسئولین است. نادیده انگاشتن روح، فطریات و ساحت وابسته به آن و نگاه ماشینی داشتن به بشر بر مبنای ویژگی‌های جسمانی و غریزه‌های جاننداری و حیوانی، از

۱. «إنما بعث لاتمم مكارم الاخلاق» (غازی، ۱۳۳۱، ۱۳۱/۱).

اشتباهات دانشمندان تجربه‌گرایی غربی است. بر همین مبنا، مربیان و به ویژه والدینی هستند که افراد مورد تربیت را افرادی می‌دانند که تحت تأثیر شرایط اجتماعی قرار گرفته و از دست رفته‌اند. آنان ناامیدانه به این نتیجه رسیده‌اند که رسانه‌های در دسترس کودکان و نوجوانان، از شبکه‌های ماهواره‌ای گرفته تا شبکه‌های اجتماعی و اینترنت، از آموزه‌های غلط جامعه تا گرایز جاننداری مترئیان، همه و همه اخلاق نوجوانان و جوانان را فاسد کرده و می‌کند و راهی جز پذیرش این واقعیت نداشته و نداریم. اینان از قدرت روح انسان‌ها و از فطرت پاک و اخلاق الهام شده به مترئیان غافل شده و در امر تربیت، خود را ناتوان می‌بینند. متأسفانه این افراد خودباخته، مترئیان و فرزندان خود را بی‌پناه در برابر فسادهای جامعه رها ساخته و از تلاش برای محافظت آنان خودداری می‌نمایند.

نیروهای نهادینه و قدرتمند منبعث از روح و فطرت پاک انسانی می‌تواند در برابر فسادهای موجود در جامعه جهانی یا جاهلیت مدرن، مقاومت نماید. لذا بر مربیان است که این نیروهای درونی و فطری را به خوبی شناخته و توسط آن به حداکثر واکسینه‌سازی مترئیان اعم از کودکان، نوجوانان و جوانان اقدام نمایند.

۲. بُعد جسمانی

در تربیت، توجه به ساحت جسمانی انسان نیز بسیار مهم و ضروری است. برخلاف بُعد روحی که تمام انسان‌ها در ارزش‌ها و بُعد روحانی یکسان بوده‌اند و در تربیت، مربیان باید دانش خود را معطوف به هدف و آن بُعد می‌نمودند. در این بخش، تفاوت‌های انسانی بسیار زیاد بوده و تربیت همسان و یکسان و یا کپی‌سازی انسان‌ها مورد قبول آموزه‌های وحیانی نیست. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: «لَا يَزَالُ النَّاسُ بِخَيْرٍ مَا تَفَاوَتْوَا فَإِذَا اسْتَوَوْا هَلَكُوا»؛ مردم همواره در خیر و سعادتند تا وقتی که (از نظر علایق و استعداد درونی) با یکدیگر تفاوت داشته باشند، پس هرگاه با هم مساوی شدند، دچار سقوط و هلاکت می‌شوند و از کمال لایق خود محروم خواهند ماند (غازی، ۱۳۳۱، ۲۹۳/۱؛ صدوق، ۱۴۰۴، ۲۶۷).

بنابراین برخلاف روش تربیتی شایع که والدین و مربیان همه به دنبال کپی‌سازی دکتر و مهندس از مترئیان هستند؛ اسلام تربیت را، پرورش استعدادها و کودک براساس

علايق و گرايش‌هاى درونى خود فرزند مى‌داند. حضرت نيز تأکيد دارند فرزندان را مانند خود بار نياوريد، چراکه آنان براى زمان ديگرى آفريده شده‌اند (مطهرى، ۱۳۶۴، ۲۸۹/۱).

خداوند متعال انسان‌ها را در اين دنيا، در جهت بقاى نسل بشر در دو شاخه مؤنث و مذکر آفريد و هر يک از دو شاخه را در چند شاخه خلقى متفاوت آفريده است که انتظارات همسان و يکسان‌سازى متربيان در امور زندگى، شيوه ناسالم تربيت است^۱ و آنان را ممکن است با مشکلات جسمى و روانى متعددى مواجه نمايد.

تفاوت جنسيتى فرزند

والدين بسيارى از فرزندان دختر و پسر خود انتظارات واحدی دارند و با تفاوت‌های گسترده این دو جنس در ابتدای کودکی و مراحل رشد آشنا نیستند، در حالی که پسر و دختر تفاوت‌های فیزیولوژیکی جسمی زیادی و تفاوت‌های روحی بیشتری با یکدیگر دارند. در حدّ اختصار به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌نماییم:

جنسیت فرزند از ابتدا موجب تفاوت‌های رفتاری و واکنش‌های متفاوت نسبت به رفتار والدین می‌شود. این تفاوت‌ها در قالب، عواطف، رنگ‌ها و دیگر امور مشاهده می‌شود:

الف) از هنگام تولد تا سه سالگی: کودک بر مبنای غریزه جنسیت خود به پیرامونش عکس‌العمل نشان می‌دهد، نسبت به اعضای مختلف بدن خود کنجکاو می‌شود و در صدد کشف آن‌ها برمی‌آید. دختران در یادگیری موفق‌تر هستند و زودتر از پسران به سخن می‌آیند و در برابر عواطف، رنگ‌ها و زیبایی‌ها عکس‌العمل بیشتری نشان می‌دهند.

ب) کودکان ۵ - ۴ ساله: در این دوره، دختران توانایی بهتری در حافظه، شنوایی، بویایی و بینایی دارند و نسبت به پسران دقت بیشتری در جزئیات رفتار اطرافیان دارند؛ در حالی که پسران در تجسم فضایی و درک فاصله‌ها قوی‌تر هستند. در این سنین،

۱. این تفاوت‌های جنسیتی و غیر جنسیتی مانند نژاد و قومیت، برای زندگی دنیایی و تولید مثل و مانند آن است. اما در آخرت که تولید مثل و کار وجود ندارد؛ این تفاوت‌ها وجود ندارد. شاهد نیز آیه ۱۳ حجرات است.

کودکان درباره تمام مسائلی که به جنسیت مربوط می‌شود احساس کنجکاوی می‌کند و سعی می‌کند از طریق بازی‌های کودکانه، از جنسیت خود و توانایی تشخیص دادن دختر یا پسر بودن خود، اطمینان حاصل کند.

ج) کودکان ۹ - ۶ ساله: فرزندان به نقش‌های جنسیتی خود حساس و هوشیارند و اغلب، مایل به دوست شدن و بازی کردن با کودکان همجنس خود هستند و با دقت به صحبت‌های دوستان، اعضای خانواده، رسانه‌ها و... درباره مسایل جنسی گوش می‌کنند و آن‌ها را درک می‌نمایند. پسرها بازی‌های پرتحرک رقابتی و دخترها بازی‌های جمعی با ابزار زیبا و احساسی را به بازی‌های رقابتی و همکاری ترجیح می‌دهند. خشونت پسران، به گونه فیزیکی و خشونت دختران، به صورت زبانی است. با توجه به این که دختران در یادگیری و بیان از پسرها توانا تر هستند، بهتر است از همین سنین، محیط یادگیری دختران و پسران جدا گردد؛ زیرا امکان رفتارهای خشونت‌بار پسران نسبت به همکلاسی‌های دختر، به خاطر شکسته شدن غرور پسرانه‌شان در کم آوردن نزد معلم وجود دارد.

د) کودکان ۱۴ - ۱۰ ساله: کودکان در این سنین، حس جنسی آگاه‌تری دارند و با برخورداری شدن از توانایی لذت جنسی، نوعی حیا در آنان به وجود آمده و از پرسیدن سؤالات جنسی خود احساس خجالت و شرم می‌کنند. گاهی این نوسانات خلقی و تغییرات هورمونی در کودک، آشفتگی‌ها و نابسامانی‌های زیادی را در خانواده ایجاد می‌کنند. پسران با افزایش تستسترون^۱ روحیات مردانه و ریاستی و استقلال طلبی‌شان بروز می‌کند و گاه دچار بدخلقی می‌گردند. در نتیجه، ممکن است روابط حاکم بر والدین با فرزندان دچار سردی، جدایی و یا افزایش گفتگوهای مشاجره‌آمیز شود. والدین باید اطلاعات کافی داشته باشند و به فرزندان بدهند و این تحولات را برای فرزندشان، کاملاً عادی جلوه دهند.

ه) نوجوانان ۱۸ - ۱۵ ساله: در اثر بلوغ، دگرگونی‌های سریع و ناگهانی در رشد جسمانی، فیزیولوژیک و روانی آدمی تحقق می‌یابد. پسران با احتلام و دختران با

۱. تستوسترون (Testosterone) از هورمون‌های استروئیدی مهم موجود در بدن پستانداران، از جمله انسان (هر دو جنس) می‌باشد که اثرات آندروژنیک (جنسیتی) و آنابولیک (سازنده، رشد دهنده) دارد.

عادت ماهانه، به این مرحله از رشد قدم می‌گذارند. نوجوان در این سن هوشیاری خاصی دارد؛ دارای درک و شناخت غریزه جنسی است و با داشتن تربیت صحیح جنسی، نسبت به پیامدهای رفتارهای جنسی آگاه می‌گردد و روابط سالم و شایسته جنسی را از روابط غیر سالم و نامشروع تشخیص می‌دهد. هر چند بلوغ جنسی در دختران زودتر از پسران آغاز می‌شود، ولی پسران پس از بلوغ، از خشونت بیشتری برخوردارند و خواستار رسیدن به اوج لذت جنسی هستند (کاکوجویباری، ۱۳۸۳، ۲/۱).

دانشمندان علوم تجربی می‌گویند:

«ساختار مغز زنان و مردان با یکدیگر متفاوت است، مردان و زنان از مغزشان به شکل متفاوتی استفاده می‌کنند. در مغز زنان، اتصالات و ارتباطات بیشتری بین دو نیمکره چپ و راست وجود داشته، که به آنها این توانایی را می‌دهد تا از مهارت گفتاری بهتری نسبت به مردان برخوردار باشند. از طرف دیگر، در مردان ارتباط کمتری بین دو نیمکره مغزشان وجود داشته و به آنها این قابلیت را می‌دهد تا دارای مهارت بیشتری در استدلال‌های انتزاعی و هوش دیداری فضایی باشند»^۱.

مردان، موقعیت‌ها و اوضاع را به‌طور کلی درک می‌کنند و تفکر کلی و جامع دارند، در حالی که زنان موضعی می‌اندیشند و به روی جزئیات و نکات ظریف تمرکز می‌کنند. مردان سازنده و خلاق می‌باشند، آنها ریسک‌پذیر بوده و به دنبال تجربه‌های جدید می‌باشند، در حالی که زنان با ارزش‌ترین اطلاعات را برگزیده و آن را به نسل بعد انتقال می‌دهند (Fausto Sterling, 2000, p154). مردان در تفکرات و اعمالشان استقلال دارند، در حالی که زنان تمایل دارند از عقاید پیشنهادی دیگران پیروی کنند. ارزیابی زنان از خودشان در سطح پایین‌تری از مردان است، زنان تمایل دارند از خودشان انتقاد کنند در حالی که مردان بیشتر از عملکرد خودشان رضایت دارند (Najmabadi, 2005, 43-27).

والدین و مربیان، باید تفاوت‌های جنس مؤنث و مذکر را شناخته و فرزندان را به صورت لطیف با واقعیت‌های تفاوت جنسی آشنا نمایند تا فرزندان نیز، در برخورد با هر

۱. جزئیات این تحقیق در مجله Neuroscience and Biobehavioral Reviews منتشر شده است. همچنین برای مطالعه بیشتر: فوکو، میشل، ۱۳۸۴، اراده به دانستن، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جهانانیده، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵.

یک از پدر و مادر و دیگر افراد آگاهی لازم را داشته و دچار مخاطره نگردند. بسیاری از رفتارهای مردان و زنان، غریزی و اتوماتیک‌وار است که ناآشنایی ما با این ویژگی‌های خود و دیگران، روابط ما را دچار مشکل می‌نماید. علاوه بر این تفاوت کلی که بین دو جنس وجود دارد، ساختار جسمی مردان و زنان با هم جنسان خود نیز متفاوت است؛ یعنی مثلاً سه‌قلوهای همجنس نیز تفاوت‌هایی در عواطف، احساسات و روابط دارند و داشتن انتظارات واحد از آنان درست نیست. در بین افراد یک جنس نیز تفاوت‌های بسیاری وجود دارد. در طب قدیم از تقسیم افراد به بلغمی، سودایی، صفراوی و دموی یاد می‌نمودند و امروزه با تقسیم‌بندی‌های بسیار متعددی در روانشناسی روبرو می‌شویم که در این مجال به آن نمی‌پردازیم.

این مطلب، شاید ناشی از این است که رسول خدا ﷺ فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْقُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ وَ مَا مِنْ رَجُلٍ يُدْخِلُ فَرْحَةً عَلَى إِمْرَأَةٍ بَيْنَهُ وَ بَيْنَهَا حُرْمَةً إِلَّا فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ خداوند بزرگ نسبت به زنان مهربان‌تر از مردان است و مرد، زنی از محارم خویش را شاد نمی‌کند مگر آن که خداوند او را در قیامت شاد خواهد ساخت (کلینی، ۱۳۶۵، ۶/۶).

۳. بعد روانی انسان

یکی از ابعاد فراجسمی انسان، بُعد روانی است. از دید برخی روان، حلقه واسط بین روح غیر مادی و جسم مادی است (ر.ک: امام خمینی، ۱۳۲۱، ۱۴۵).^۱ بر این اساس، روان هم تحت تأثیر جسم است و هم تحت تأثیر روح. در شیوه تربیت اسلامی و در سخنان امام رضا علیه السلام توجه به این امر، یعنی رعایت بهداشت روان متریبان در تربیت، بسیار اهمیت دارد. هر نوع تربیتی باید همراه با در نظر گرفتن حق انتخاب و قدرت اختیار فرزند و متریبی باشد. متریبی از هر نوعی که باشد، فرزند ما یا دانش آموز و مانند آن، امانتی است که در اختیار ماست. داشتن حس مالکیت نسبت به وی و این که همیشه می‌باید طبق دستورات ما عمل نماید، از زیاده‌خواهی‌های والدین و مربیان است. همان گونه که در سخنان بزرگان تربیتی آمده است، والدین حق اجبار فرزند در

۱. و نیز نک. دبانی، ۱۳۹۵، ۲۷.

آموزش‌های سخت، حتی حفظ کلام خدا، یعنی قرآن کریم را ندارند؛ بلکه این کار باید با تشویق مستقیم و غیر مستقیم، و ارائه الگوهای مناسب صورت گیرد تا فرزند با شوق و ذوق خود، آن مسیر را بپذیرد و انتخاب نماید.

روان مربی تحت تأثیر فطرت روحانی و غرایز جاننداری، توأمان است. این امر امتیازاتی را در اختیار ما می‌گذارد مانند: وجود حس کنجکاوی، حقیقت‌جویی، تفوق طلبی و مانند آن که موجب می‌شود مربی با هدایت و تشویق مربی در امر تربیت همکاری لازم را بنماید. در عین حال، موانعی را ایجاد می‌نماید مانند: خودخواهی، تمایل به اظهار وجود، قبول ننمودن سلطه حتی سلطه علمی و تربیتی، میل به راحت‌طلبی و مانند آن که مربیان باید از تحریک آن امتناع نمایند. از این روی، در ذیل مبحث شاخصه‌های تربیت، به کارآمدترین شیوه، با رعایت بهداشت روانی مربی و مربی از دیدگاه امام رضا علیه السلام و اجداد طاهریین‌شان پرداخته شده است.

شاخصه‌های تربیت

امامان معصوم در شیوه‌های تربیتی خود، به تمام ابعاد انسان توجه کامل نموده و در بهداشت روانی مربیان و متریان دقت لازم داشته‌اند که به برخی از مهم‌ترین آموزه‌های تربیتی می‌پردازیم.

۱. تربیت تدریجی

یکی از مهم‌ترین دستورات معصومین علیهم السلام، در نظر گرفتن سطح متریان و مخاطبین است. این امر به شکل‌های گوناگون توسط معصومین تأکید شده است. ده‌ها روایت در این زمینه در سیره و سخن آنان آمده است. سخن و تمثیل نسبتاً طولانی و شیرین امام صادق علیه السلام با یکی از اصحاب پرتوقع خود خواندنی است.

آن حضرت می‌فرماید:

«برخی دارای يك سهم از دین (و معرفت) اند و برخی دارای دو سهم، و برخی دارای هفت سهم، و شایسته نیست آنچه بر دوش صاحب دو سهم است، بر آن که دارای یک سهم است، تحمیل شود و هم‌چنین، آنچه بر دوش صاحب هفت سهم است، بر آنکه صاحب شش سهم است، تحمیل شود. برایت مثلی می‌زنم: مردی همسایه‌ای

مسیحی داشت، او را به اسلام دعوت نمود و اسلام را برایش زیبا تصویر نمود. مسیحی اسلام را قبول نمود. آنگاه وقت سحر درب خانه مسیحی را کوفت و او را بیدار نمود، همسایه گفت: کیستی؟ مسلمان گفت: من فلانی‌ام.

تازه مسلمان گفت: چه می‌خواهی؟ گفت: وضو بگیر و لباس پاکیزه بپوش و مهیای نماز همراه ما شو! تازه مسلمان وضو گرفت و رهسپار مسجد شدند و تا اذان صبح یکسره نماز خواندند و سپس نماز صبح را اقامه نمودند و صبر کردند تا آفتاب طلوع نمود. تازه مسلمان خواست به منزلش برود، همسایه تازه مسلمان به او گفت: روز کوتاه است تا ظهر عبادت نمایم و پس از نماز ظهر او را تا نماز عصر و پس از آن تا نماز مغرب نگاه داشت و چون تازه مسلمان خواست برود، همسایه‌اش گفت تنها يك نماز مانده است و او تا نماز عشاء ماند، آن گاه از هم جدا شدند. وقتی سحرگاه روز دوم شد، دوباره همسایه مسلمان، آن تازه مسلمان را بیدار ساخت.

گفت: کیستی؟ همسایه گفت: من فلانی‌ام، آماده برای رفتن به نماز شو! تازه مسلمان گفت: برای چنین دینی به دنبال کسی دیگر باش که از من بیکارتر باشد! من انسانی تهی‌دست و عیال‌وارم. آن گاه حضرت فرمود: او را هدایت و وارد اسلام نمود، ولی بدین ترتیب او را از اسلام بیرون کرد» (کلینی، ۱۳۶۵، ۴۳/۲).

این مثال زیبا بر تدریجی بودن تربیت، چه در کودکان یا بزرگسالان تأکید دارد. چه بسیار افراد مذهبی و روحانیون، به خاطر رعایت نکردن این امر، فرزندشان را ضدّ دین بار آورده‌اند و چه بسیار معلمانی که به خاطر توقعات زیاد از فرزند خود، موجب بیزاری فرزند از تحصیل دانش شده‌اند.

۲. ظرفیت سنجی

یکی دیگر از سفارشات معصومان علیهم‌السلام، در نظر گرفتن میزان ظرفیت عقلی، دانشی و ایمانی مخاطب در هنگام بیان هر مطلبی بوده است و تا هنگامی که مترئیان، نسبت به برخی از معلومات و معارف شایستگی لازم را به دست نیاورند، این معلومات را در اختیار آنان قرار ندهد وگرنه ممکن است موجب پریشانی روان آنان گردد. امام رضا علیه‌السلام به یکی از اصحابش می‌فرماید: «يَا يُوسُفُ حَدِّثِ النَّاسَ بِمَا يَعْرِفُونَ وَاتْرِكْهُمْ مِمَّا لَا

يَعْرِفُونَ»؛ ای یونس! با مردم به اندازه معرفت و شناخت آن‌ها سخن بگو و آن‌چه را که نمی‌فهمند، رها کن (مجلسی، ۱۹۸۳، ۶۶/۲).

حضرت هنگامی که مأمون (دانشمندترین خلیفه عباسی و اموی) از حضرت پرسشی را مطرح می‌نماید، حضرت پاسخ او را به گونه‌ای می‌دهد که او کاملاً بپذیرد؛ سپس حضرت به اباضیت می‌فرماید: این پاسخ را طبق میزان ظرفیت او گفتم: «فقال الرضا عليه السلام: يَا أَبَا الصَّلْتِ إِنَّمَا كَلِمَتُهُ حَيْثُ هُوَ» وگرنه پاسخ اصلی، دقیق‌تر از این است (صدوق، ۱۴۰۴، ۹۲/۱).

ائمه عليهم السلام به مقدار فهم و استعداد مخاطبان خود، مطالب قابل فهم را با بسط و تکرار و تفصیل توضیح می‌دادند و برخی از معلومات را، نه تنها در اختیار برخی از آنان قرار نمی‌دادند، بلکه در کتمان آن نیز کوشا بوده‌اند؛ زیرا القاء دانشی که مخاطبان برای هضم و درک آن، استعداد و ظرفیت لازم را ندارند، موجب پریشانی خاطر و پراکندگی و تباهی ذهن و حتی اعتقاد آنان می‌گردد.

امیرالمؤمنین علی عليه السلام، روزی به یکی از اصحابش فرمود: «يَا حُدَيْفَةُ! لَا تُحَدِّثُ النَّاسَ بِمَا لَا يَعْلَمُونَ فَيَطَّغُوا وَيَكْفُرُوا»؛ ای حذیفه! سخن مگو برای مردم، در آن‌چه که در توان دانش آن‌ها نیست که طغیان می‌کنند و کافر می‌شوند (نعمانی، ۱۴۲۲، ۱۴۴). همان‌گونه که از روایت امام رضا عليه السلام نیز مشخص می‌شود، تربیت تدریجی و تربیت با سنجش ظرفیت مخاطب، شامل پاسخ به پرسش‌های متربی هم می‌شود. برخی کودکان و نوجوانان پرسش‌هایی می‌نمایند که ظرفیت درک پاسخ را ندارند یا فعلاً دانستن آن مناسب سن و میزان اطلاعاتشان نیست، والدین و مربیان، این‌جا نیز موظف به در نظرگرفتن دو اصل تدریج و ظرفیت هستند. حضرت خضر به حضرت موسی کلیم عليه السلام می‌گوید: ﴿قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا﴾ * وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا ﴿﴾ (کهف، ۶۸-۶۷) یعنی ظرفیت این امر را نداری. پاسخ سؤال نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد، پس باید ظرفیت مخاطب را سنجید و هر پرسشی را به هر کسی پاسخ نداد.

۳. آرامش روانی مربی و پرهیز از عصبانیت

یکی از دستورات اسلام به مربیان این است که در تربیت خود اهل "دعه" باشند، یعنی آرامش داشته و وظیفه خود را خوب انجام دهند، اما نتیجه را به آینده و خداوند

متعال واگذار نمایند. پدر و مادر نیز همچون دیگر مرتبان باید بدانند، فرزند دارای اختیار، و از خود دارای انتخاب است. هیچ فرزندی ملک والدینش نیست، بلکه امانتی در دست والدین است؛ حتی گاهی فرزند امام معصوم و پیامبران علیهم السلام نیز برخلاف روش آن معصوم عمل نموده و راه دیگری را انتخاب نمودند. اگر انسان در هنگام تربیت، انجام وظیفه را در نظر داشته باشد و نتیجه را به خود مترقی واگذار نماید، بهتر می‌تواند با اعصاب و روان راحت تصمیم‌گیری نماید و تربیت نماید. اگرچه در مورد فرزند، در مرحله سخن ساده است و در مرحله عمل، نیاز به جهان‌بینی خاصی دارد.

امام رضا علیه السلام به فردی که از رفتار ناپسند و غیر دینی یا غیر اخلاقی کسی به شدت ناراحت شده بود فرمود: تو برای خدا غضب می‌کنی، پس بیش از آن مقداری که خدا در این مورد غضب می‌کند، غضب نکن (صدوق، ۱۴۰۴، ۲/۲۶۳). والدین باید بدانند چه بسیار فرزندان شرّ و بازگوشی که در آینده به مقامات مادی و معنوی عالی می‌رسند و چه بسیار برعکس آن، فرزندان ظاهراً مؤدّب، درس‌خوان و سخت‌کوش که مایه ننگ والدین می‌گردند. پس در فرایند تربیت، مرتبی باید به سلامت و بهداشت روان خود و مرتبی، هر دو توجه داشته باشد و از جوش زدن، نگرانی و اضطراب دوری نماید (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۳، ۱/۳۱۳).^۱

۴. ارایه الگوی مناسب

یکی از مهم‌ترین اصول تربیتی اسلام، ارائه الگوهای مناسب برای مرتبان است. ارائه محسوس یا نامحسوس الگو از بسیاری از سخنان و نصیحت‌ها بهتر تأثیر دارد. به عنوان نمونه، مرد و زنی که دختری را به زیباییش، نه به کمالاتش می‌ستایند، فرزند اینان طبیعتاً و ناخودآگاه به دنبال کسب زیبایی ظاهری به هر نحو ممکن خواهد بود و گرایش به لوازم آرایش از همان کودکی خواهد داشت. در مقابل، والدینی که

۱. «حَدَّثَنِي الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ السَّرَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: خَرَجْتُ هَذِهِ الرَّسَالَةَ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ إِلَى أَصْحَابِهِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (أَمَا بَعْدُ فَاسْأَلُوا رَبَّكُمْ الْعَاقِبَةَ وَ عَلَيْكُمْ بِالذَّعَةِ وَالْوَقَارِ وَ السَّكِينَةِ وَ عَلَيْكُمْ بِالْحَيَاءِ وَ التَّزَوُّو عَمَّا تَنَزَّهُ عَنْهُ الصَّالِحُونَ قَبْلَكُمْ، وَ عَلَيْكُمْ بِمُجَامَلَةِ أَهْلِ الْبَاطِلِ، تَحَمَّلُوا الصَّنِيمَ مِنْهُمْ، وَ إِنَّاكُمْ وَ مُمَاطَّتُهُمْ...».

تحسین‌هایشان به مال و منال دیگران است، فرزندان‌شان نیز همان را الگو می‌گیرند. پس اگر به صورت غیر محسوس، صاحبان اخلاق و رفتار نیک را تحسین نماییم، فرزندان نیز از آنان الگو می‌گیرند. زیرا کودکان، بیشتر بزرگسالان را الگوی آینده خود قرار می‌دهند و نه دیگر کودکان را.

از دیگرسوی، تا جایی که ممکن است باید متریبان را از توجه به الگوهای نامناسب دور نمود. چه زیبا امام رضا علیه السلام می‌فرماید: سلیمان پیامبر علیه السلام از مورچه پرسید: چرا مورچه‌ها را امر کردی به سوراخ‌هایشان بروند و آنان را از من ترساندی؟ در حالی که من پیامبرم و به کسی ستم نمی‌کنم. مورچه در پاسخ گفت: ترسیدم محو سلطنت و منال تو شونند و از یاد خدا غافل شونند (همان، ۸۴/۱). این مثال خوبی است که در خانواده می‌توان با افزایش قناعت و تلاش برای لذت بردن از داشته‌ها و چشم ندوختن به مال و منال مردم، روانی آسوده داشت.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «آگاه باشید که همه شما تا حدودی فرمان‌روا و نگهبان هستید، در مورد فرمانبرداران خویش مؤاخذ و مسؤولید. زمامداران کشور، فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن مسؤول. مرد که رئیس خانواده است فرمانروای زن و فرزندان خویش است و در برابر آنان مسؤول است. زن بر کودکان خود فرمانروا و حاکم است و در برابر آنان مسؤولیت دارد» (محمدی ری شهری، ۱۴۱۶، ۱۲۱۲/۲).

با توجه به این حدیث شریف، زن در محیط خانواده از حیاتی‌ترین و اصیل‌ترین نقش‌ها برخوردار است. الگو بخشی به کودک و نوجوان و معرفی اسوه‌های برجسته برعهده مادران است. مادر خانواده در منزل، بهترین الگو برای دختران است و یکی از مهم‌ترین وظایف مادر، ایجاد حس رضایتمندی از جنسیت خویش است چه این که مادرانی که از جنسیت خود نارضایتی بیشتری داشته‌اند، دخترانشان بیشتر در معرض روان‌پریشی و ناهنجاری‌های اخلاقی بوده‌اند. در مقابل، دختران مادرانی که از جنسیت خود رضایت داشتند، از اعتماد به نفس بهتری برخوردار بوده و هنجارشکنی‌های کمتری می‌نموده‌اند.

۵. پرهیز از نصیحت بیش از حد

هر نصیحت مستقیمی نوعی فرمانروایی است. این فرمان‌ها باید در حد اضطرار و نیاز ضروری باشد (دیانی، ۱۳۹۵، ۱۷۱). فرمان‌های زیاد غیر ضرور و مستقیم به یک نفر، او را ملول و خسته می‌کند. والدین و مربیان می‌باید در این زمینه با دقت بسیار زیادی عمل نموده و موجب خستگی و ناهنجاری فرزند و یا متربی خود نگردند؛ بلکه اگر می‌خواهند او را از خود فراری نموده یا از سر خود باز نمایند، با نصیحت مستقیم می‌توانند به این نتیجه دست پیدا نمایند.

ریان بن صلت گوید: عده‌ای به خراسان و به خدمت امام رضا علیه السلام رفتند و گفتند: بعضی از خانواده شما کارهای ناپسند انجام می‌دهند، خوب بود آنان را نهی می‌فرمودید، حضرت فرمودند: این کار را نمی‌کنم، گفتند: چرا؟ حضرت فرمودند: چون از پدرم شنیدم که فرمود: نصیحت ناخوشایند و تلخ است (صدوق، ۱۴۰۴، ۵۵۲). ظاهراً مراد از کارهای قبیح، کارهای ناپسند و دور از شأن علویان است نه محرمات. حضرت با این که جایگاه عظیمی که در میان بستگان داشته‌اند، حاضر نشده‌اند از کارهای دور از شأن آنان انتقاد کنند؛ بلکه به تلخی نصیحت اشاره می‌فرمایند.

۶. رعایت احترام و پرهیز از تحقیر

ائممه علیهم السلام طبق دستور الهی و سنت اسلامی با فرزندان و همه مخاطبین خود با احترام، تکریم و ملاحظت سخن گفته و با احترام رفتار می‌کردند. به گونه‌ای که متریان آنان، دارای هر نوع شأن و منزلت اجتماعی بوده‌اند، از جانب ائمّه علیهم السلام احساس تحقیر نمی‌کردند. دانش روان‌شناسی نیز اثبات نموده است که هر چه متربی به واسطه متربی، تصویر مثبت‌تری از خود پیدا نماید، این نگاه موجب می‌شود به متربی نیز نگاهی مثبت نماید و این موجب ترغیب وی به پذیرش پیام می‌گردد (کریمی، ۱۳۸۱، ۸۵).

امام رضا علیه السلام نیز این روش را برای تربیت جامعه، به‌ویژه فرزندش امام جواد علیه السلام به کار می‌گرفتند. از این رو، رفتار حضرت با فرزندش امام جواد علیه السلام آن قدر محبت‌آمیز و توأم با احترام بود که ایشان را به نام صدا نمی‌زدند؛ بلکه بیشتر با کنیه مورد خطاب قرار

می‌دادند. به عنوان مثال می‌فرمودند: «ابوجعفر برای من نوشته است و من برای ابوجعفر نوشتم».

امام رضا علیه السلام فرمود: فردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و سؤال کرد: حق این فرزندم بر من چیست؟ حضرت فرمود نام نیکو، ادب نیکو و حفظ حرمت اجتماعی! امام رضا علیه السلام فرمود: وقتی به کودکان وعده‌ای دادید عمل نمایید! آنان شما را رازق خود می‌دانند، خدای متعال غضب نمی‌کند آن‌گونه که برای (بی‌رحمی به) زنان و کودکان غضب می‌کند (همان، ۵۰/۶).

در مقابل تکریم، تحقیر و ملامت است. ائمه علیهم السلام، ضمن اصرار بر تکریم و تشویق، از سرزنش و ملامت دوری نموده و دیگران را از آن نهی می‌نموده‌اند. از دیدگاه آنان، سرزنش و ملامت آتش لجاجت را شعله ور ساخته و مانع و عایقی در برابر تربیت ایجاد می‌نماید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «إِيَّاكَ أَنْ تُكْرَرَ الْعُتْبُ، فَإِنَّ ذَلِكَ يُغْرِي بِالذَّنْبِ وَ يُهَوِّنُ بِالْعُتْبِ»؛ پرهیز از تکرار سرزنش که این کار متخلف را به گناه خود جدی، و مغرور می‌کند (تمیمی مغربی، ۱۳۸۷، ۲۲۳).

۷. پرهیز از مجادله و مخاصمه

یکی از اموری که در تربیت نهی شده، بحث و مجادله کردن است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «ثَمَرَةُ الْمِرَاءِ الشَّحْنَاءُ»؛ نتیجه مناظره، دشمنی است (همان، ۴۶۴). یکی از اموری که در تربیت نهی شده، بحث و مجادله کردن است. بحث و مجادله، انانیت را تحریک کرده و موجب عدم پذیرش خیرخواهی مرتبی می‌گردد. در این امر هم تفاوت زیادی بین فرزند و دانش‌آموز نیست. امام رضا علیه السلام خطاب به شاگرد برجسته خود عبدالعظیم حسنی می‌فرماید: «يَا عَبْدَ الْعَظِيمِ أَلْبِغْ عَنِّي أَوْلِيَائِي السَّلَامَ... وَ مُرَّهُمْ بِالسُّكُوتِ وَ تَرْكِ الْجِدَالِ فِيمَا لَا يَعْنِيهِمْ»؛ ای عبدالعظیم! به دوستانم سلام برسان... و خود را به آنان امر کن زبان در کام گیرند و از مجادلات بیهوده پرهیزند (مفید، ۱۴۱۴، ۲۴۷).

۸. واژه‌گزینی

به کارگیری واژه‌های زیبا، سخن انسان را زیبا می‌نماید و در ادامه، این زیبایی را به خود گوینده نیز سرایت می‌دهد و گوینده را زیباتر جلوه می‌دهد و از طرف دیگر،

به کارگیری واژه‌های نازیبا، سخن انسان را نازیبا می‌سازد و به خود گوینده نیز سرایت می‌دهد؛ زیرا واژه آئینه معنا محسوب می‌شود و معنا را به ذهن می‌آورد؛ لذا ذکر واژه‌های قبیح، قبح را به بیان و سخن نیز سرایت می‌دهد. استفاده کلمات مناسب‌تر یا به کارگیری واژه منفی شده، ما را از آن واژه نامناسب رها می‌سازد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «لَا تُسَيِّئِ اللَّفِظَ وَ إِنِّ ضَاقَ عَلَيْكَ الْجَوَابُ» (لیثی واسطی، بی‌تا، ۵۲۸): لفظ خود را خراب و بد مکن، حتی اگر از پاسخ گفتن بازمانی (فلسفی، ۱۳۶۸، ۱۳۹). بر این اساس، بر مرییان است تا جایی که امکان دارد از کلمات و واژه‌های زیبا استفاده نمایند و به جای واژه‌های نازیبا، از واژه‌های کمتر منفی استفاده نمایند.

۹. لطافت لحن

چگونگی بیان، نرمی گفتار و لحن ملایم و مناسب در سخن، یکی از اصول مهم در ارتباطات بیانی است و در دانش روانشناسی برای آن، تأثیر بسزایی قایل شده‌اند. بنابراین، کنترل نحوه بیان واژه‌ها در تربیت یکی از مهم‌ترین وظایف مرییان، اعم از والدین و معلمان است که در معلمان اهمیت بیشتری می‌یابد. روایتی از امام باقر علیه السلام است که به یکی از اصحاب خود فرموده‌اند: «إِنَّا لَا نَعُدُّ الرَّجُلَ فِينَا عَاقِلًا حَتَّى يَعْرِفَ لَحْنَ الْقَوْلِ»؛ ای اباعبیده! ما فرد را در میان خودمان عاقل نمی‌دانیم، مگر وقتی که (لحن قول) و چگونگی بیان سخن را بداند (جمع من الرواة، ۱۳۴۳، ۲۷). هم‌چنین امام صادق علیه السلام نیز، سفارش زیادی به نرمی سخن دارد و می‌فرماید: «عَوِّدْ لِسَانَكَ لِينَ الْكَلَامِ وَ بَدَلْ السَّلَامَ؛ يَكْثُرُ مَحَبُّوكَ وَ يَقَلُّ مَبْغُضُوكَ»؛ زبانت را با نرمی گفتار و ابتدا کردن به سلام، عادت ده! تا دوستانت بیشتر و دشمنانت کمتر شوند (لیثی واسطی، بی‌تا، ۳۴۰).

۱۰. رعایت وقار

وقار یکی از صفات برجسته‌ای است که ائمه علیهم السلام به آن سفارش می‌کردند. اهمیت وقار در حدی است که وقتی از امام سؤال می‌کنند: زیباترین خصلت انسانی چیست؟ حضرت سه خصلت ذکر می‌کند که نخستین آن وقاری است که خوف و ترس همراه آن نباشد: «وَقَارٌ بِلَا مَهَابَةٍ» (کلینی، ۱۳۶۵، ۲/۲۴۰).

امام صادق علیه السلام در نامه‌ای به اصحاب خود می‌نویسد: «... وَ عَلَيْكُمْ بِاللَّدَعَةِ وَ الْوَقَارِ

وَ السَّكِينَةَ...»؛ و بر شما باد به طمأنینه (راحتی) و وقار و آرامش و بر شما باد به حیاء، پرهیزد از بدخلقی و درگیری با اهل باطل و بر شما باد به رفتار صالحان، از وقار و آرامش و حلم و تواضع آنان (کلینی، ۱۳۶۵، ۳/۸).

بنگرید که چگونه امام علیه السلام مرییان را از جوش زدن، حرص خوردن و درگیر شدن با افراد ناهنجار بازداشته است. بلکه آنان را به "دعه" یعنی راحت بودن و طمأنینه همراه با وقار و سکینه و حلم و خشوع سفارش نموده‌اند. وی نیز سفارش نموده که با ناهنجاران نیز مجامله، یعنی حسن برخورد و احوالپرسی داشته باشید که حضرت، این را از نشانه‌های وقار دانسته است.

در جایی دیگر امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ فَظًّا غَلِيظًا يَكْرَهُ النَّاسُ قُرْبَكَ وَلَا تَكُنْ وَاهِنًا يُحَقِّقُكَ مَنْ عَرَفَكَ»؛ نه آن‌گونه تندخو و خشک باش، که مردم از تو اجتناب ورزند و نه آن‌گونه خود را سبک و پست بدار، که هر که تو را شناسد تحقیرت نماید (ابن شعبه جزانی، ۱۳۶۳، ۳۰۴).

رابطه وقار و مزاح

در روایات ائمه علیهم السلام دو صفت را ذکر کرده‌اند که بیشتر موجب از بین رفتن وقار انسانی می‌شود. نخستین آن "مراء" یعنی بحث کردن و درگیر شدن با دیگران است و دوم، مزاح و شوخی کردن با مردم است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «لَا تُمَارِ قَيْدَهُ بِهَاؤُكَ وَلَا تُمَارِحَ فَيَجْتَرِي عَلَيْكَ»؛ مراء و جدال با مردم منما، که ارزش و قیمت تو کاهش پیدا می‌کند و مزاح نکن که (به واسطه از دست دادن وقار) بر تو جرأت پیدا می‌کنند (کلینی، ۱۳۶۵، ۶۶۵/۲) و نیز می‌فرماید: «إِيَّاكَ وَالْمِرَاحَ فَإِنَّهُ يَدْهَبُ بِتُورِ إِيْمَانِكَ»؛ پرهیز از مزاح که هیبت مرد را کاهش داده و آبروی او را می‌برد (همان).

اما آنچه از جمع روایات این باب استفاده می‌شود این است که دستورات فوق، به‌علاوه دستوراتی که ائمه علیهم السلام به مزاح کردن با یکدیگر امر می‌کردند (همان) و مزاح را از حسن خلق می‌دانستند به این معنا است که، اصحاب با یکدیگر مزاح نمایند، تا روحیه شاد خود را حفظ نمایند؛ ولی با دیگران هم چون دانش‌آموزان مزاح نمایند، تا وقار آنان محفوظ مانده و برای سخن آنان تأثیر باقی بماند یا این که مزاحی منع شده است که به هم بخندند و شوخی کنند (و سر به سر یکدیگر بگذارند) که موجب

کدورت شود. ولی با هم خندیدن به لطفه‌ای که گفته شود، حتی اگر از جانب معلم هم باشد و حتی هنگام تدریس، اشکالی ندارد؛ زیرا منافاتی با وقار و حفظ آبرو و متانت ندارد.

نتیجه‌گیری

امامان معصوم علیهم‌السلام بهترین مربیان بشر بوده‌اند و والدین و دیگر مربیان باید در امر تربیت از سخن و سیره آنان استفاده نمایند و لازم است به تمام ابعاد روحی، جسمی و روانی فرزندان و مربیان توجه کافی مبذول گردد.

قدم نخست در بایسته‌های تربیت فرزند، آغاز نمودن از خود می‌باشد؛ از این روی، به تأکید معصومان علیهم‌السلام بر تربیت عملی توجه شده است. در مرحله بعدی در تربیت، ابعاد و ساحات مختلف انسانی فرزندان لازم است مورد توجه قرار گیرد. نباید عنایت به بُعد روحانی انسان، موجب اهمیت ندادن به بُعد جسمانی او شود؛ زیرا بسیاری از رفتارهای بشری از غریزه و ساختار جاننداری وی سرچشمه می‌گیرد. روش ائمه علیهم‌السلام در برخورد با بُعد روحی انسان، کارآمدترین روش تربیتی است که بهداشت روانی کودکان و نوجوانان در آن، کاملاً در نظر گرفته شده است که در این راستا، انتخاب همسر مناسب هم تأثیر به‌سزایی خواهد داشت.

تربیت تدریجی، ظرفیت‌سنجی، آرامش روانی مربی و پرهیز از حرص و جوش و عصبانیت، ارائه الگوی مناسب، پرهیز از نصیحت بیش از حد، رعایت احترام و پرهیز از تحقیر، پرهیز از درگیری لفظی و نرمی گفتار، واژه‌گزینی، لطافت لحن و رعایت وقار در این آموزه‌ها به عنوان شاخص‌های اصلی تربیت کودک مورد مطالعه قرار گرفته است.

از دید نویسندگان، سیره و سخن معصومان علیهم‌السلام، بیانگر بسیاری از دستورات تربیتی است که کاربر است آن‌ها، موجب بازدهی بیشتر هرگونه تلاش تربیتی است. نیک روشن است که به دست آوردن نظر معصومین علیهم‌السلام در امر تربیت فرزند، نیاز به پژوهش بیشتر و کامل‌تری دارد که نیازمند فرصت و پیگیری‌های اهل فن می‌باشد.

کتاب‌شناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۳ ش.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول ﷺ، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ ش.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، چاپ به سالهای ۱۳۶۳، ۱۳۶۶ و ۱۳۸۲ ش، مؤسسه امیرکبیر، تهران.
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمّد هارون، اول، قم، مکتب الاعلام اسلامی، بی تا.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ ق.
۶. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، به اهتمام جلال الدین الحسینی المحدث، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۰ ش.
۷. تمیمی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه: سیّد هاشم رسولی محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۸. جمعی از روات، الأصول الستة عشر من الأصول الأولية، ترجمه: محمدحسین درایتی، ۱۳۴۳.
۹. حرّ عاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.
۱۰. خمینی، امام روح الله، آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آراء امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۹ ش.
۱۱. دینانی، محمد شمس الدین، درآمدی بر بهداشت و درمان اسلامی (۱) بهداشت روان در اسلام، مشهد، نشر مرنديز، ۱۳۹۵ ش.
۱۲. دینانی، محمد شمس الدین، فرهنگ هدایت‌گری آداب و آفات تبلیغ، مشهد، نشر مرنديز، ۱۳۹۵ ش.
۱۳. سید رضی، نهج البلاغه، تحقیق و شرح محمّد عبده، اول، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. شرفی، محمد رضا، تربیت اسلامی با تأکید بر دیدگاه‌های امام خمینی (ره)، تهران، نشر پنجره، ۱۳۸۶ ش.
۱۵. شکوهی یکتا، محسن، مبانی و روش‌های تعلیم و تربیت اسلامی، قم، انتشارات الهادی، ۱۳۸۶ ش.
۱۶. صادقی، محمد امین، پیامبر اعظم در نگاه عرفانی امام خمینی (ره)، مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۶.
۱۷. صادقی، محمد امین، سیمای اهلیت در عرفان امام خمینی (ره)، بی جا، مؤسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷.
۱۸. صدوق، محمد بن علی بن حسین بابویه، عیون أخبار الرضا ﷺ، تصحیح و تعلیق و تقدیم: حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴.
۱۹. طوسی، ابی جعفر محمد بن حسن، إختیار معرفة الرجال، قم، بی تا، بی نا.
۲۰. عاملی، سیّد جعفر مرتضی، دراسات و بحوث فی التاریخ و الإسلام، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۲۱. عطاردی قوچانی، عزیز الله، مسند الإمام الرضا ﷺ، مشهد، مؤسسه طبع و نشر آستان قدس رضوی، ۱۴۰۶ ق.
۲۲. غازی، داود بن سلیمان، مسند الرضا ﷺ، محقق: محمدجواد حسینی جلالی، قم، مکتب الاعلام اسلامی، ۱۳۳۱.

۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، دَوم، قم، هجرت، بی تا.
۲۴. فلسفی، محمدتقی، سخن و سخنوری از نظر بیان و فن خطابه، تهران، دار الحدیث، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. قاسمی، محمد علی، دوران طلایی تربیت، قم، پنجم، نشر نور الزهراء، ۱۳۹۳ ش.
۲۶. کاکوجویباری، علی اصغر، تربیت جنسی، قم، نشر تربیت اسلامی پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۳ ش.
۲۷. کریمی، عبدالعظیم، راهبردهای روانشناختی تبلیغ، بی جا، انتشارات ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۱ ش.
۲۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۲۹. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تهران، دار الحدیث، بی تا.
۳۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۹۸۳.
۳۱. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، دارالحدیث، ۱۴۱۶ ق.
۳۲. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، قم، صدرا، ۱۳۶۴ ش.
۳۳. مطهری، مرتضی، فلسفه اخلاق، تهران، صدرا، ۱۳۶۶ ش.
۳۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، یازدهم، قم، صدرا، ۱۳۸۳ ش.
۳۵. مفید، محمد بن نعمان، الاختصاص، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ق.
۳۶. موسوی خمینی رحمته الله علیه، روح الله، آداب الصلاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۶۸ ش.
۳۷. نعمانی، محمد بن ابراهیم بن جعفر، کتاب الغیبه، تهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۹۷، ش.
۳۸. الهامی نیا، علی اصغر، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، اول، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۶ ش.
39. Fausto Sterling. Anne. Sexing The Body (gender politics and the construction of sexuality). New York. Published by Basic Books. First Edition 2000.
4. Najmabadi. Afsaneh. Woman with Mustaches and Men without Beards. university of California press. 2005.